

## به نام خداوند جان آفرین

چه نیکبخت کسانی که اهل شیرازند  
که زیر بال همای بلند پروازند  
دعای صالح و صادق رقیب جان تو باد  
که اهل پارس به صدق و صلاح ممتازند

در روز میلاد مبارک و پر شگون حضرت ولی عصر(عج) منادی صلح و عدالت، پروردگار یگانه را شاکریم که ما را یارای آن فرمود تا به مبارک شبی که به نام بلند شیخ شیراز، سعدی بزرگ نام گرفته است، در یادروزش، در کنار مردمانی که آنها را "نیکبخت" نامیده است، بر خوان سعدی بلندآوازه، حضور یافته ایم تا به قدر همت خویش، خوشه چین معرفت او باشیم؛ ستاره ای تابناک که دیرگاهی است بر این سرزمین و بر این مردمان خوش درخشیده است. به درستی که ما هفت قرن است که بر خوان او میهمانیم و در فراز و نشیب رخدادهای روزگاران، بدو دل بسته ایم و کلامش را و اندیشه اش را پاس داشته ایم؛ سخنان نغزش را پند دارویی دانسته ایم که به شهد ظرافت برآمیخته شده، تا سعادت و رستگاری نوع بشری را رقم زند. بر همین اساس است که به گفته خود او، ما نیز معتقدیم که:

اگر در سرای سعادت کس است  
ز گفتار سعدیش حرفی بس است

و به راستی که شما مردمان خردمند شیراز، در زیر سایه بلند سعدی و حافظ، دو قله رفیع زبان و ادب فارسی، از بختی بلند و اقبالی مبارک بهره مندید و بی شک خوش آوازگی شما مردمان شیراز مینو طراز، به واسطه تابش نور معرفتی این بزرگان است که در پیدا و پنهان زندگی تان ساری و جاری گردیده است. همدلی و مهمان نوازی شما در حادثه دردناک سیل شیراز نشان بارزی از این پیوند فرهنگی هفتصدساله است. شما با درک و پاسخ به شعر بلند سعدی نشان دادید که:

بنی آدم اعضای یکدیگرند  
که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار

سعدی خداوندگار زبان فارسی است و آثارش از چنان آوازه‌ای برخوردار است که مرزهای شرق و غرب را درنوردیده و مجذوبان کلام خویش را مسحور بلاغت، فصاحت و شیوایی حدیث شکرین خود ساخته است. این گونه است که ذکر جمیلش در افواه عوام افتاده و صیت سخنش در بسیط زمین منتشر گشته است. آثارش عصاره و بازتاب فرهنگ و سنت ایرانی و اسلامی است. اندیشه‌های نابش، زلال حکمت و روشنان تفکری است که در فراسوی زمان خود به حرکت درمی‌آید تا در ماورای مرزهای زمانی و مکانی؛ عنصر بشریت را بازشناسد و دغدغه‌های فطری اش را از پس فرازها و فرودهای بسیار، بازگو کند.

بازتاب کلام سحرآمیز و جادوی اندیشه‌اش بر فرهنگ و هنر فارسی‌زبانان، از سویی، و بر ذهن و زبان جهانیان از سویی دیگر، در میان سخن‌سرایان ایران بی‌همتاست.

نقش سخنانش بر تار و پود جان نشسته و از این روست که در زوایای گوناگون هنر به دست هنرمندان، به گونه خط و نقش و آوا؛ جلوه‌گری نموده است؛ نگارگران به تصویر مجالس بزم و وعظش کوشیده‌اند، از بام کوشک تا شمع کافوری، از اشکوبه‌های خوش‌تراش تا نقشِ صُراحی و جامش، را به تصویر کشیده‌اند؛ بافندگان در تار و پود رنگ‌رنگ نقوش و فلزکاران بر قلمدان‌های فلزی و نقره‌کوب و سینی‌های مِفرغی؛ و کاشیکاران بر کاشی‌های زرین‌فام هفت رنگ بر روی لعاب تا کاسه‌های سفالین، از کتیبه‌های گچبری تا کتیبه‌های سنگی عمارات و نقش نوشته‌های بارگاه و آرامگاه او؛ کلمات قصار و سخنان قلندروارش را حک نموده‌اند.

قطعات خوشنویسی اشعار و عبارات نغزش به صورت کتاب‌ها، مُرقع‌ها و تک برگ‌ها در موزه‌ها، کتابخانه‌ها و مجموعه‌های هنری ایران و جهان نگاهداری می‌شوند. طنین کلامش را به آوای خوش موسیقایی درهم آمیخته‌اند تا هر یک به فراخور همت خویش، کارستانِ گلستان و بوستان و شکرستانِ غزل‌ها و قصایدش را خوشه‌چینی کنند.

جهان‌دیدگی، تجربه اندوزی، برون‌نگری، علم اندوزی و حشر و نشر با مردمان جوامع گوناگون، از وی شخصیتی واقع‌نگر و چند بعدی از سنخ تساهل و تسامح ساخته است. از همین روست که در آثارش نشانی از تعصبات غیر منطقی باز نمی‌یابیم. عشق و دوستی شاخص‌ترین عنصری است که اندیشه او بر مبنایش پی ریخته شده است. بازتاب این مهرورزی، در جای جای آثارش نمود یافته است. چنانکه او را عاشقی شیفته ساخته است:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست  
عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

آثار سعدی، تبلور هنری کامل از احساس و عاطفه‌ای است از نوع عاطفه غنی انسانی؛ یعنی بیان احساس به جمال و کمال مطلق از هر نوعی که می‌تواند وجود داشته باشد. آرمانگرایی وی در مفاهیم مختلف چون عدالت‌خواهی، مدارا، راست‌اندیشی، صداقت و عشق، در لابه‌لای کلیات وی قابل مشاهده است و از همه مهم‌تر او شاعر فرهنگ است و مروج عقلانیت انسانی، دانش را قدر می‌شناسد و هنرمند را در صدر می‌نشاند. حاکمان را حکمت می‌آموزد، عارفان را عرفان، عاشقان را عشق و مردمان را نوع‌دوستی و مهر:

سعدیا خوش‌تر از حدیث تو نیست  
تحفه روزگار اهل شناخت  
آفرین بر زبان شیرینت  
که این همه شور در جهان انداخت